

درايش فضای مجازی بر هویت زنانه*

سیده زکيه توسلی**

چکیده

تحولاتی که در دهه‌های اخیر در زمینه ارتباطات و فضای مجازی روی داده تمام جنبه‌های فرهنگ و حیات اجتماعی را با چالش روبرو کرده است. در این میان فضای اجتماعی و به تبع آن مسائل مربوط به زنان از جمله «هویت زنانه» بی‌تأثیر از این تحولات نبوده‌اند. در این مقاله با بررسی تأثیر فضای مجازی بر هویت زنانه به این مسئله پرداخته می‌شود که مشارکت روزافزون زنان در زمینه ارتباطات و فضای مجازی، چگونه سبب دگرگونی نقش‌های اجتماعی و آگاهی آنان از نقش‌های زنانه و هویت زنانه‌شان شده است و آیا این دگرگونی‌ها می‌تواند به تعارض هویت زنانه منتهی شود. حضور زنان در دو جهان متفاوت و گاهاً متضاد مجازی و واقعی، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و برداشت آن‌ها از زنانگی و نقش‌های زنانه را متحول می‌نماید این تغییرات می‌تواند تاحدودی زمینه‌ساز دوگانگی شخصیتی و هویت‌های پریشان زنانه گردد.

کلیدواژه‌ها

فضای مجازی، هویت جنسیتی، هویت دینی، هویت زنانه، اینترنت.

*. تاریخ دریافت مقاله ۹۶/۴/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله ۹۶/۵/۱۴

** عضو گروه مطالعات و تحقیقات زنان افغانستان.

مقدمه

ظهور مدرنیته و شتاب روزافزون پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی زمینه بروز تغییراتی بنیادی در دنیای انسان معاصر را فراهم نمود. یکی از تغییرات بنیادی ظهور دنیایی جدید ورای دنیای واقعیت‌های عینی و ملموس به نام «دنیای مجازی» بود. امروزه جامعه انسانی با دو جهان موازی در ارتباط است؛ جهان واقعی و جهان مجازی.

جهانی که در آن شاهد تداوم زندگی و فعالیت‌های عینی اجتماعی هستیم را همه به نام جهان واقعی می‌شناسیم ولی تا چه اندازه با دنیای جدید مجازی آشنایی داریم؟ جهان دوم جهانی است که انسان‌ها را در مواجهه با واقعیت‌های مجازی قرار می‌دهد. در جهان مجازی انسان با سرزمینی بی‌مرز و چند فرهنگی و در عین حال برخوردار از فضایی واحد مواجه است. (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). در این راستا جهان مجازی این امکان را فراهم می‌سازد تا انسان‌ها در گستره بسیار پهناور فضا و زمان با یکدیگر رابطه برقرار کنند و با فضاوند ساختن زندگی اجتماعی قابلیت و توانایی مکان را به شدت کاهش دهند در حالی که در جهان واقعی روابط اجتماعی در چارچوب فضا و زمان، وابسته و محدود به مکان می‌باشد و مکان همواره به تثبیت کردن و متصلب کردن گرایش دارد. در این صورت فرهنگ و هویت‌سازی کاملاً در خدمت مکان قرار دارد یعنی در هر مکانی فرهنگ و هویت خاص وجود دارد که فضا این مرزپذیری را از بین برده است و توسط جامعه شبکه‌ای، نه تنها به افراد جوامع در قالب‌هایی تازه، هویت‌هایی تازه بخشیده است بلکه رفتار ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است. (اولسون، ۱۳۷۷: ۵).

اینترنت به واسطه تعامل اجتماعی حاکم بر آن قادر به ایجاد شرایطی است که می‌تواند تا اندازه‌ای در سازمان‌دهی مسیر علایق افراد و شکل‌گیری هویت‌های جدید موثر باشد، در حالی که در مجموع به نظر می‌رسد، بنیادهای اجتماعی هویت به گونه‌ای افراطی در فضای مجازی دگرگون شده است. (دریفوس، ۱۳۸۳: ۱۳) که تأثیرات آن بر اقشار گوناگون جامعه از جمله زنان گریز ناپذیر است لذا یکی از مهم‌ترین مباحث مسائل زنان، می‌تواند تأثیر فضای مجازی بر هویت زنانه باشد. «درحالی که بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه زنان، بر متون رسانه‌های کلاسیک مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات متمرکز بوده است. تغییرات نظام ارتباطی و ظهور رسانه‌های نوین همچون اینترنت، خود به ایجاد منابع جدید هویت‌سازی و تغییرات اساسی در آن انجامیده است، به این دلیل در دوران معاصر، معمای هویت بیش از هر عصر دیگری آدمی را به خود مشغول کرده است. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶۰).

۱. مفهوم هویت

ظهور حوزه‌های معرفتی متفاوت سبب شده است تا واژه هویت معنای متفاوتی بیابد؛ از این رو هویت از منظرهای متفاوت مورد توجه متفکران قرار گرفته است؛ مثلاً از منظر روان‌شناسی اجتماعی می‌توان گفت: هویت نوعی رابطه بین شخصیت فرد و ساختار اجتماعی است. بدین معنا هویت نسبتی است که فرد بین عوالم ذهن خود و واقعیت زندگی برقرار می‌کند (فیرحی، ۱۳۸۶: ۳-۴). برخی صاحب‌نظران هویت را پدیده‌ای سیاسی - اجتماعی مربوط به عصر مدرن می‌پندارند که جانشین خُلق و خوی فردی و اجتماعی شده است. بر این اساس تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش «من کیستم؟» موضوع تازه‌ای نیست و از دیرباز ذهن انسان را به خود مشغول داشته است. (دوران و محسنی، ۱۳۸۶: ۸۵).

به هر حال سنگ بنای هویت را می‌توان در مفهوم «خود» جست‌وجو کرد. اولین معنای آن بیان‌گر مفهوم تشابه مطلق است و دومین آن به مفهوم تمایز اشاره دارد که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. بنابراین مفهوم هویت به‌طور هم‌زمان میان افراد و اشیا دو نسبت محتمل را برقرار می‌کند، از یک طرف شباهت و از طرفی تفاوت. (جنکیز، ۱۳۸۱: ۵) گیدنز به‌غیر از این دو معنای مورد نظر جنکیز، معنای دیگری نیز می‌افزاید: «خودی» که دارنده استقلال است مثل خودمختاری؛ خودی که دارای توانایی دورنگری یا کنش بازتابی است، مثل اعتماد داشتن به خود. درواقع این خود، موازی معنای عمومی هویت است که چهار ویژگی را به‌صورت خلاصه در خود دارد: شباهت، تفاوت، بازتابی و فرایندی بودن. (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۱۱).

۲. جنسیت و هویت جنسیتی

به نظر جولیان وود، جنسیت، نظامی از ارزش‌ها، هویت‌ها و فعالیت‌هایی را که از نظر اجتماعی برای زنان و مردان معین شده است، ایجاد می‌کند. برخلاف «جنس» که یک ویژگی فردی را توضیح می‌دهد، «جنسیت» به معنای‌ای اشاره دارد که بر اساس موازین اجتماعی تولید شده است و بدون آن که ویژگی فطری محسوب شود، بر آنان تحمیل می‌شود. برخلاف جنس که قطعی و دائمی است، جنسیت از فرهنگ‌ها و باورهای عمومی برخاسته و یک فرهنگ مجزا، سیال و متغیر و موضوعی برای تغییر مستمر است. (پیشگاهی فرد به نقل از وود ۱۳۸۳، ۳۸۹: ۱۲۱). همچنین گیدنز معتقد است جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان مربوط می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۳).

جودت باتلر^۱ جنسیت را نه محملی ثابت برای کارگزاری زن یا مرد، بلکه هویتی می‌داند که به دلیل اجرای نقش‌ها، به شکلی ظریف در طول زمان شکل گرفته و از طریق تکرار این نقش‌ها به عنوان یک فضای بیرونی نهادینه می‌شود. (نیکخواه قمصری به نقل از باتلر، ۱۹۹۰). به اعتقاد جنکیز^۲ جنسیت یکی از رایج‌ترین طبقه‌بندی‌ها است که بر مبنای طبقه‌بندی دوگانه مذکر - مونث حاصل می‌شود. او به تبعیت از نظریه دیالکتیک درونی - برونی اعتقاد دارد که از سویی فرد بر مبنای تفاوت‌های جنسی به صورت درونی به جنس خود پی می‌برد و از سویی بر مبنای تعریف دیگران (برونی) نسبت به جنسیت خود به شناخت دست می‌یابد. (جنکیز، ۱۳۸۱: ۱۰۷) شناخت نسبت به جنسیت خود، ما را به مفهوم هویت جنسیتی مرسوم می‌سازد.

بنا به تعریف سوزان گولومبرگ و رابین فی وش، هویت جنسیتی عبارت است از «برداشت یا تعریفی که فرد از خود به عنوان یک زن یا یک مرد دارد. (گولومبرگ و فی وش، ۱۳۸۷: ۱۲) بنابراین منظور از هویت جنسیتی آن بخش از رفتارها و نگرش‌های فرد نسبت به جنسیت خویش است که تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. به این ترتیب جنسیت یکی از رایج‌ترین اصول طبقه‌بندی و احتمالاً فراگیرترین این اصول است. جنسیت آشکارترین وجه هویت فرد است و در تعامل میان دیگران ساخته می‌شود. (جنکیز، ۱۳۸۱)

از آنجا که جنسیت بخش مهمی از هویت شخصی است، از فرد انتظار می‌رود که اغلب در مورد جنسیت و رفتارهایی که منعکس کننده جنسیت اوست، فکر کند. به عنوان مثال، در سخنرانی‌هایی که در مورد مسائل زنان است، حضور داشته باشد. هویت جنسیتی شخصی به عنوان پدیده‌ای منظم مستلزم روایت معینی است. در هویت شخصی فرد باید بتواند روایت منسجمی از خود ارائه دهد؛ یعنی فرد با بازنگری در گذشته خود بتواند به طور پیوسته‌ای تعریف از خود ارائه دهد. این تعریف نباید از هم گسیخته و بی‌ربط باشد. روایت معینی از خود، نوعی خودشناسی است که نیازمند بازاندیشی مداوم است. هرچقدر روایت و تعریف فرد از خودش منسجم‌تر باشد، هویت شخصی ثبات بیشتری دارد. (خدایی، ۱۳۸۷)

۳. هویت زنانه

منظور از هویت زنانه تصویر و احساسی است که زن از زن بودن خود دارد و انتظاراتی است که به عنوان زن برای خود تعریف می کند به گونه ای که اگر از وی پرسش شود؛ تفاوت های زن و مرد کدام است؟ و چه انتظاراتی از زن به جا و چه انتظاراتی نابه جاست؟ بر اساس آن احساس و تصویر پاسخ می دهد. در این جا پاسخ آن کس که تفاوت زن و مرد را صرفاً به تفاوت های بیولوژیک در اندام های جنسی محدود می بیند با پاسخ آن کس که تفاوت ها را به تفاوت در گرایش ها و عملکرد ذهنی و رفتارها نیز تعمیم می دهد کاملاً متفاوت است. ویژگی های طبیعی و انتظارات خانواده و جامعه از شخص به عنوان زن، از عوامل مهم شکل گیری هویت جنسی است. منظور از نقش جنسی نیز رفتارهایی است که شخص در قالب گفتار و کردار انجام می دهد تا زن یا مرد بودن خود را آشکار نماید و روش هایی است که انتظار داریم زنان و مردان با آن روش ها رفتار کنند. اگر معیار در تبیین جنسی را در متن خلقت (طبیعت متفاوت زن و مرد) و متون وحیانی بدانیم اختلال در هویت و نقش جنسی به این معناست که شخص تصویری از هویت زنانه یا مردانه خود دارد که نه با طبیعت وی همخوان است و نه با آنچه از وحی در تبیین تفاوت های زن و مرد می شناسیم و در حیات فردی، زندگی خانوادگی و اجتماعی به گونه ای سلوک می کند که با مسیری که فطرت وحی به آن رهنمون می سازند، بیگانه است. (سخایی، ۱۳۸۸).

از بررسی آموزه های دینی می توان دریافت که تفاوت های تکوینی، تفاوت هایی که در اغلب زنان نسبت به اغلب مردان مشاهده می شود، به تفاوت در اندام های جنسی محدود نمی شود و تفاوت های روانی، ذهنی و رفتاری را نیز در برمی گیرد. این تفاوت ها البته نشانه ارزشمندی هیچیک بر دیگری نیست بلکه سند کارآیی های هر یک در مسیر مورد انتظار و عاملی برای پیوند میان زن و مرد است. انتظارات مختلف علاوه بر آن که منشاء تفاوت های طبیعی است می تواند ارزش های جنسیتی را نیز تولید نماید. (متون اسلامی نان آوری، اعمال سرپرستی و اقتدار مصلحانه، بذل جان و مال در راه خدا، گشاده دستی بر اهل منزل و چشم پوشی از خطای همسر را ارزش مردانه و تواضع در برابر شوهر، کنترل سید هزینه ها، تمکین، اهتمام بیشتر به حیا و عفاف را ارزشی زنانه دانسته اند. منظور از ارزش های جنسیتی ارزش هایی است که صرفاً در یک جنس ارزش محسوب می شود و یا در یک جنس ارزش فوق العاده به حساب می آید.)

این تفاوت‌ها خود به تفاوت‌هایی در حقوق، آموزش و دسترسی به منابع و فرصت‌ها منجر می‌شود. با قبول نگرش دینی می‌توان مهم‌ترین مشکل جامعه زنان یا دست کم یکی از مهم‌ترین مسائل آنان را اختلال در هویت (منظور از اختلال هویت، معنای خاص آن در علم روان‌شناسی نیست) و نقش جنسیتی آنان دانست.

۴. هویت دینی و هویت اسلامی

گیدنز تأمل و بازاندیشی در مورد هویت را منحصر به دوران مدرن می‌داند. در متن چالش‌های دنیای مدرن است که سنت و طبیعت مرجعیت خود را از دست داده و فرد در یک فضای آینده از اطلاعات دائماً به تأمل در مورد هستی خویش می‌پردازد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۹۱). گیدنز، هویت شخصی را این‌گونه تعریف می‌کند: «هویت شخصی نوعی خصیصه متمایز، یا حتی مجموعه‌ای از خصیصه‌های متمایز نیست که در اختیار فرد قرار گرفته باشد. هویت شخصی در حقیقت همان «خود» است که شخص آن را به‌عنوان بازتابی از زندگینامه‌اش می‌پذیرد. در اینجا نیز هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است: ولی هویت شخصی عبارت است از همین تداوم اما به‌صورت بازتاب تفسیری که شخص از آن به عمل آورده است» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۲). در این تعریف عناصر مهم هویت شخصی عبارتند از: تفسیر فرد، بازاندیشانه بودن و تأملی بودن این تفسیر، احساس تداوم از سرگذشت یا همان زندگی‌نامه خویش. گیدنز برای مشخص شدن هویت فردی افرادی را مثال می‌زند که فاقد هویت شخصی هستند. این افراد احساس منسجمی نسبت به پیوستگی سرگذشت خویش ندارند یا به عبارتی روایت پیوسته‌ای از سرگذشت خویش ندارند، احساس اعتماد به جامعیت خود ندارند و بگونه‌ای وسواس آمیز از خطرهای احتمالی هراس دارند (همان، ۸۳). بنابراین با توجه به رویکرد گیدنز می‌توان چنین گفت که فرد در جریان هویت‌یابی خود به‌طور عام و هویت دینی به‌طور خاص موجودی صرفاً منفعل و پذیرنده نیست بلکه به تفسیر هویت خویش می‌پردازد، این تفسیر بریده بریده و منقطع نیست بلکه از مقداری ثبات و استمرار برخوردار است. لذا بر این اساس می‌توان دو گونه هویت دینی سنتی و بازتابی را از یکدیگر متمایز کرد.

۱-۴) هویت دینی سنتی:

ارزش‌ها، احساسات و شناخت‌های این نوع هویت در شرایط جامعه‌پذیری به فرد منتقل شده و کمتر مورد واری و کندوکاو قرار گرفته است. در واقع فردی که هویت دینی سنتی

دارد یا این گونه طبقه‌بندی می‌شود، کمتر حقایق و قطعیت‌های دینی را مورد پرسش و بازبینی قرار داده، ارزش‌های دینی را امری نسبتاً مطلق در نظر گرفته و احساساتش نسبت به دین بیشتر متعصبانه و تزلزل ناپذیر است.

۲-۴) هویت دینی بازتابی:

در این نوع هویت ارزش‌ها، احساسات و شناخت بیشتر مورد بازبینی و نقد قرار گرفته و فرایند شک‌اندیشی در مورد آن‌ها، به آن‌ها ویژگی سیال و بازتابانه داده است. فردی که هویت دینی بازتابانه دارد، حقایق و ارزش‌های دینی را کمتر امور مطلق دیده بلکه برای آن‌ها بیشتر منزلت نسبی قائل است و بیشتر این حقایق و ارزش‌ها را مورد پرسش و بازبینی قرار داده و احساسات منعطف‌تر و شک‌اندیشانه‌تر نسبت به دین دارد.

قابل ذکر است که این دو نوع هویت دینی را می‌توان با سطوح مختلف در وجود یک شخص مشاهده نمائیم. باتوجه به شرایطی که فرد در آن هویت دینی خود را کسب می‌کند ممکن است یکی از این هویت‌ها نسبت به دیگری پررنگ‌تر و یا کم‌رنگ‌تر باشد. فضای مجازی سبب شده است تا زمینه تقویت هویت سنتی در افراد روز به روز با چالش‌های بیشتری روبرو شده و بجای آن شناخت همراه با شک‌انگاری و نقد توأمان باورهای دینی منتقل شده از فضای سنتی و خانوادگی، جایگزین آن گردد.

۵. عوامل مؤثر در شناسایی هویت

هویت به معنی چه کسی بودن، پاسخی است به نیاز طبیعی انسان برای شناساندن خود به یک سلسله عناصر و پدیده‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی. بیشتر صاحب‌نظران بر سر شناسایی منابع هویت اختلاف نظر دارند و پدیده‌های گوناگونی را چون منابع و مصالح هویت به‌شمار می‌آورند، به هر حال عوامل مؤثر در شناسایی هویت عبارتند از: مکان و فضا، زمان و فرهنگ. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۱).

۱-۵) مکان و فضا

مکان و فضا مهم‌ترین عواملی هستند که نیازهای هویتی انسان را تأمین می‌کنند به بیان روشن‌تر؛ مرزپذیری و قابل‌تهدید بودن مکان و به تبع آن فضا این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌کند که انسان‌ها با احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به گروه، امنیت و آرامش

لازم برای زندگی را کسب کنند. درواقع سه کار ویژه هویت‌آفرین مکان، بر خاصیت اصلی آن (مرزپذیری و ثابت بودن) استوار است. احساس متمایز بودن از دیگران چون جزء جدایی‌ناپذیر هویت، نیازمند وجود مرزهای پایدار و کم‌وبیش نفوذناپذیر است. مکان نه‌تنها مرزپذیر و قابل تهدید است بلکه ثبات نیز دارد بنابراین با تأمین نیاز به تداوم داشتن و پایدار بودن، از این لحاظ هم منبعی مهم در تأمین هویت به شمار می‌آید. برخلاف فضا که دنیایی سیال و بی‌مرکز برای افراد فراهم می‌کند، مکان با ابعادی معین و عناصری ثابت، دنیایی پایدار پدید می‌آورد.

۲-۵) فضا جایگزین مکان

در جوامع سنتی - پیش از پرشتاب‌تر و فراگیرتر شدن فرایند جهانی شدن - بحران هویت چندان محلی از اعراب نداشت. از آنجا که در چنین جوامعی زندگی اجتماعی اساساً مکان‌مند و سرزمین‌محور بود، فرایند هویت‌یابی و حفظ هویت خیلی دشوار نبود. برخلاف جوامع مدرن و متأثر از فرایند جهانی شدن، فضا در جوامع سنتی کاملاً تحت سلطه و وابسته به مکان بود. از این‌رو فضای سنتی با قلمرو مکانی انطباق داشت و با علائم و نشانه‌های مکان پر می‌شد. اعمال و کارکردهایی هم که این فضا را پر می‌کردند همگی مکان‌مند بودند این فضا، فضایی محدود بود برای زندگی کردن در چارچوب آن، نه برای حرکت در گستره آن. فرایند جهانی شدن به واسطه پیشرفت شگفت‌آور فناوری‌های ارتباطی، به روند گسست مکان و فضا شتاب می‌بخشد و رشته‌های پیوند زنده فضای اجتماعی و مکان و سرزمین معین را بیش‌ازپیش پاره می‌کند. بدین ترتیب امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان‌رهایی می‌یابد و در فضایی بسیار فراخ گسترش پیدا می‌کند. نقش سنتی مکان، محل و سرزمین در ساخت و نگهداری هویت از آن‌رو بسیار کمرنگ می‌شود که فرایند جهانی شدن زمینه فضا‌مند شدن زندگی اجتماعی را بیش از پیش فراهم می‌سازد.

۳-۵) زمان

زمان یکی دیگر از عوامل هویت‌ساز به‌شمار می‌آید. فرد هنگامی می‌تواند مدعی داشتن هویت باشد که از تداوم خود اطمینان حاصل کند. این تداوم چیزی نیست مگر احساس ثبات شخصیت در طول زمان. هویت بر تداوم استوار است و تداوم هم در چارچوب زمان معنا می‌یابد حتی اگر تداوم به معنای منطقی آن باشد.

۴-۵) فرهنگ

بی‌گمان فرهنگ را باید مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت دانست. نفوذپذیری و فروریزی فزاینده مرزها فضای امن و خلوت فرهنگ‌ها را از بین می‌برد و فرهنگ‌های مختلف به آسانی در فضای بسیار فراخ زندگی اجتماعی، گسترش و جریان می‌یابند. همه حوزه‌های استحفاظی درهم می‌ریزند، هر فرهنگی به‌ناچار در فضایی قرار می‌گیرد که عرصه حضور و ابراز وجود فرهنگ‌های دیگر هم هست، به این ترتیب فرآیند جهانی شدن به واسطه سرزمین‌زدایی، پیوندهای فرهنگ با مکان را تضعیف می‌کند و نظام‌های معنایی را از لنگرگاه‌های محلی خود آزاد می‌سازد. در این دنیای بدون مرز اجزا و عناصر مختلف فرهنگی به‌صورتی گریزناپذیر باهم برخورد می‌کنند آداب و سنن و الگوهای مختلف زندگی به واسطه فن‌آوری‌های پیشرفته ارتباطی و حمل و نقل، اقصی نقاط جهان را درمی‌نوردند بنابراین ثبات و خلوص فرهنگی کم‌وبیش از بین می‌رود و نوسان، سیالیت و اختلاط جای‌گزین می‌شود. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۱).

۵-۵) زمان و فضا تحت تأثیر جهانی‌شدن

تحت تأثیر فرایند جهانی‌شدن، زمان چنان فشرده می‌شود که دیگر نمی‌تواند در خدمت هویت‌هایی خاص قرار گیرد. این فشردگی و تحول پدیدارشناسانه، زمان را از مقوله‌ای خطی و کروئولوژیک به حال بی‌پایان تبدیل می‌کند. جهان در چارچوب یک فضای صاف و نامتمایز فشرده می‌شود و نوعی دنیای لحظه‌ای پدید می‌آید، پیوند میان یک گذشته مشترک و یک حال مشترک از بین می‌رود و نظم سنتی مبتنی بر مکان‌های انحصاری و تداوم‌های معنابخش و هویت‌ساز نابود می‌شود.

در چنین دنیایی نه فضا می‌تواند نیاز فرد به متمایز بودن و تداوم داشتن را تأمین کند و نه زمان می‌تواند از عهده این کار برآید.

۶. اثرات فضای مجازی

فناوری‌های جدید ارتباطی می‌توانند منطق خود را به ما تحمیل کنند. فناوری‌های جدید با آوردن نرم‌افزارهای جدید ما را از آموختن بسیاری از هنرها و حرفه‌ها بی‌نیاز می‌کنند و در واقع جهان حرفه‌ای یک فرایند «تخلیه مهارتی» را طی می‌کند (برنستون و استرافورد ۲۰۰۱).

بودریار از غیر واقعی شدن واقعیت و گم شدن انسان‌ها در این غیر واقعیت سخن می‌گوید و ویریلیو هم از اینکه انسان از زاویه چشم فناوری به دنیا نگاه کند وحشت دارد. باومن (۲۰۰۳) با مطرح کردن پدیده «عشق سیال» مدعی شد روابط اینترنتی بین زنان و مردان بسیار متفاوت از روابطی است که با واسطه سایر رسانه‌ها انجام می‌شود و این روابط به دلیل ماهیت مجازی و دروغین آنها به شدت زندگی بشریت را تهدید می‌کنند. برخی محققان همچون توماس میر (۲۰۰۲) معتقدند فناوری‌های جدید ارتباطی نقش تخدیرکننده دارند و از ابتدای دهه ۱۹۹۰ تا کنون در حال تخریب پایه‌های دموکراسی در کشورهای غربی بوده‌اند. برون جنسن (۲۰۰۲) تفاوت و خطر فضای مجازی را قدرت آن در خردآميز نشان دادن منطق خود می‌داند. اسلوین (۲۰۰۰) هم به نوبه خویش هشدار می‌دهد که گرچه به امکانات آزادی بخش اینترنت مباحثات می‌کنیم اما نباید از ظرفیت‌های سرکوب‌گرانه آن غافل شویم. پستمن (۱۳۸۱) نیز معتقد است فناوری‌های جدید از مرحله «تکنوکراسی» پا به مرحله «تکنوپولی» گذاشته‌اند. در این مرحله امپراتوری تکنولوژی رقیب خود یعنی جهان‌بینی سنتی را به کنار زده و خود در جای آن می‌نشیند. (شاقاسمی، ۱۳۸۵: ۶).

۱-۶) تأثیرات فضای مجازی بر هویت افراد

بی‌تردید جهانی‌شدن به عنوان مؤلفه حاکم در سه دهه اخیر، موجب تحولاتی شده که در طول تاریخ بشر بی‌سابقه است. همان‌گونه که ما می‌توانیم دنیای دیجیتال را بر اساس تصورات خود بسازیم اینترنت و به‌خصوص سایت‌های دوستیابی و اجتماعات و گروه‌های مجازی به‌عنوان تعاملی‌ترین انواع رسانه نیز می‌توانند بر سبک و شیوه زندگی ما تأثیر بگذارند. اگر نگاهی به هشدارهای محققان و کارشناسان حقوق و رسانه در دنیا ببینیم می‌توانیم به نگرانی فزاینده از تأثیر این پدیده بر سبک زندگی افراد، به خصوص زنان به عنوان قشر آسیب‌پذیر و منعطف‌تر جامعه پی ببریم. مد، لباس، زبان، علایق زیبایی‌شناختی، شیوه مطالعه، نوع تفریحات و سرگرمی و... ابزارهایی برای این گسست محسوب می‌شوند. جهانی‌شدن، علاوه بر اشاعه بیشتر کالاها، مصرفی، ویژگی‌های تنوع، چندفرهنگ‌گرایی و هویت‌های پیوندی را نیز به دنبال می‌آورد.

به‌واسطه فرآیندهای فوق، سنت‌های کاملاً متمایز فرهنگی و هویتی در تماس و همزیستی با یکدیگر قرار می‌گیرند و سرانجام فرهنگ‌ها و هویت‌هایی ظاهر می‌شوند که عناصری از سنت‌های فرهنگی مجزا را با یکدیگر امتزاج می‌دهند.

د.الری در کتابش به نام مدینه فاضله یا ناکجاآباد مذهب اینترنتی در هزارهٔ جدید راجع به تأثیر فن‌آوری‌های ارتباطی جدید بر شناخت ما از خود می‌نویسد: «من فکر می‌کنم مهم است که در اینجا تاکید کنم که گزینه‌های مهمی پیش‌رو داریم: اینکه سازگاری ما با فن‌آوری‌های ارتباطی جدید خاصاً نه ناگزیر است و نه توصیه شده و تصمیماتی که هم استفاده‌کنندگان و هم کسانی که این فن‌آوری را رواج داده‌اند می‌گیرند تأثیر عمیقی بر اینکه ما که هستیم و چه می‌شویم خواهد داشت. (د.الری، ۱۳۸۸: ۲).

۲-۶) فضای مجازی تهدیدآمیز برای انسانیت

الری می‌گوید: «دغدغه من نسبت به ابعاد هزاره‌ای و نویددهنده تکنولوژی رایانه‌ای، شک و تردید مرا نسبت به دنیای پرشکوه جدید که در راه است، برانگیخته است. اما وعده‌های «مک‌لوهان» و «نگروپنته» و مجله «وایرد» رنگ و بوی دیگری دارد، آن‌ها معتقدند که تکنولوژی یکپارچگی، هماهنگی جمعی، صلح، افزایش طول عمر و یا احیاء و ترمیم بدن برای جلوگیری از مرگ به همراه خواهد آورد ولی من معتقدم ما دلایل خوبی برای یقین نداشتن به این آرزوهای هزاره‌ای داریم و حتی در صورت ممکن بودن، دلایل محکمی برای پیروی نکردن از آن‌ها داشته باشیم. اینکه آیا مذهب آنلاین، آینده‌ای پایدار برای کسانی که می‌خواهند با وسوسه‌های سایبورگ مقاومت کند، دارد یا نه، امری است که آینده آن‌را مشخص خواهد کرد. (د.الری، ۱۳۸۸: ۶).

۳-۶) پنهان کردن هویت واقعی خود در فضای مجازی

آنچه در فضای مجازی مشهود است، گسترش اهمیت فرد و حیطه خصوصی در برابر جمع و حوزه عمومی است. افراد در فضای مجازی در عین حال که می‌توانند، در گروه‌ها حضور داشته باشند - از آنجایی که می‌توانند هویت واقعی خود را پنهان کنند- می‌توانند خود را جدا از دیگران و تنها نیز حس کنند. نبود مراتب قدرت در فضای مجازی باعث می‌شود، فردیت افراد در جمع حل نشود. (سروی زرگر، ۱۳۸۸: ۲).

۴-۶) فرهنگ مجازی و هویت‌ها

گاهی در کنار اصطلاح فضای مجازی به اصطلاح فرهنگ مجازی برخورد می‌کنیم. مسائلی که برای نظریه‌پردازان در حوزه فرهنگ در فضای مجازی مطرح می‌شوند شامل

مسائلی همچون شکل‌گیری فرهنگ جدید، بازنمائی و درک از واقعیت مجازی و هویت می‌شوند. (بل، ۲۰۰۱).

اهمیت و قدرت اشکال اجتماعی مانند اجتماعات مجازی و گفتمان فضای مجازی در فرهنگ عامه و حوزه‌های دیگر هم بخش دیگری از حوزه مطالعاتی این نظریه‌پردازان را تشکیل می‌دهند. (باربارا کندی و دیوید بل ۲۰۰۱، بل ۲۰۰۱ و اندرو هرمن و توماس سویت ۲۰۰۰).

پس از ظهور فرهنگ مجازی کم‌کم سروکله خرده فرهنگ‌های مجازی هم پیدا شد. جماعت‌های مجازی و آنلاین که به زیر شاخه‌های مختلف تقسیم می‌شوند باعث ظهور این خرده فرهنگ‌ها شده‌اند.

بل (۲۰۰۱) فرهنگ مجازی را مصنوع فضای مجازی می‌داند. کلماتی که روی صفحه کامپیوتر پدیدار می‌شوند تشکیل جماعت می‌دهند. این جماعت‌های مجازی فرهنگ خاص خود را دارند و هویت‌ها هم در این جماعت‌ها دوباره تعریف می‌شوند. نکته مهم درباره این هویت‌ها این است که در فضای مجازی چنین هویت‌هایی به شدت انعطاف‌پذیر و فریبنده می‌شوند. فرهنگ مجازی در چنین فضایی شکل می‌گیرد. رینگولد (۱۹۹۹) معتقد است عامه مردم در برخورد با فضای مجازی همان کاری را خواهند کرد که با بقیه فناوری‌های ارتباطی کرده بودند یعنی متخصصان ارتباطات را شگفت‌زده خواهند کرد. اما باید اذعان کرد که پیش‌بینی اینکه فرهنگ مجازی چه مسیری را طی خواهد کرد بسیار مشکل است. (عبداللهیان، ۱۳۸۲: ۶۹).

۷. هویت زن در فضای مجازی

در اثر دگرگونی‌هایی که در سطح جهان و همچنین سطح ملی رخ داده، نقش زنان در نهاد خانواده و نهادهای شغلی، تغییراتی قابل توجه داشته است و در اثر پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های جدید در میان زنان مقاومت‌هایی از جانب آن‌ها - چه در عرصه خانواده و چه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، بصورت مبارزات فرهنگی شکل گرفته که اگرچه هسته اصلی آن جایگاه و هویت‌های اجتماعی جدید زنان است، اما تثبیت این هویت‌ها را از طریق شناسایی و تایید دیگران هدف خود قرار داده است و نابرابری‌های قانونی و عرفی میان زن و مرد طبیعی و جاودانه تصور نمی‌شود در این میان، افزایش تحصیلات زنان از سویی سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی و از سوی دیگر سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی زنانه با

نقش‌های جدید شده و به بحران هویتی زنان منتهی می‌شود و هویت زنان را باز تعریف می‌کند.

۸. تأثیر فضای مجازی بر هویت زنان

همان‌گونه که جنبش فمینیسم از اواخر قرن ۱۸ و با گسترش روز افزون جهان صنعتی توانست تأثیری شگرف در جهان زنانه و نگرش‌ها ایجاد کند و بیش‌ترین تمرکز خود را معطوف به تهدید نابرابری‌های جنسیتی و پیش‌برد حقوق، علایق و مسائل زنان معطوف کردند، با گسترش فضای مجازی شیوه مبارزاتی و تبلیغاتی فمینیست‌های قرن ۲۱ هم وارد فاز جدیدی شده است. اصطلاح فمینیسم سایبر به استفاده زنان از تکنولوژی اینترنت برای مقاصد غیر از خرید در اینترنت و سایت‌گردی اشاره دارد. فمینیسم سایبر بر پایه فمینیسم‌های مختلف بنا شده و محصول یک تغییر جهت در درک مقوله‌هایی چون سیاست، جنسیت، کار و... است. فمینیست‌های سایبر معتقدند تکنولوژی نوین می‌تواند شرایط اجتماعی را تغییر دهد و امکانات جدیدی همچون تغییر در مقوله‌های جنسیت را فراهم آورد و در واقع مفهوم جنسیتی را که بر مبنای جسمانیت استوار است، کنار گذاشته و هویت جنسی جدید و یا حتی هویتی بدون جنسیت را در فضای مجازی بنا نهد. زنانی که خود را فمینیست سایبر می‌نامند، نسبت به تکنولوژی‌های جدید واکنش نشان می‌دهند، چراکه نیازمند استفاده از آن هستند و می‌خواهند در این تکنولوژی‌ها جایی را برای زنان به‌دست آورند. فمینیست‌های سایبر معتقدند باید یک نقد اساسی و زیربنایی از رسانه‌ها و تکنولوژی جدید انجام گیرد و تفسیری از مدل‌های آزادی، کثرت‌گرایی و ساختار دموکراتیک فضای مجازی ارائه شود.

مسئله حقوق زنان که طی چندین قرن به‌طور پیاپی دنبال شده، با ورود به جامعه اطلاعاتی رنگ تازه‌ای به خود گرفته است. با توجه به هدف غایی جامعه اطلاعاتی مبنی بر لزوم دسترسی همگان به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، مسئله حقوق زنان و حق دسترسی آنان - به‌عنوان بخشی از این جامعه - به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، از مباحث مهم مطرح در جامعه اطلاعاتی است. ازسوی دیگر این فناوری‌ها و به‌ویژه اینترنت در کنار کاربردهای مفید و آزادی‌بخش، خطراتی نیز به دنبال دارند که بی‌توجهی به آنها می‌تواند عواقب سوئی داشته باشد و حقوق اқشار مختلف جامعه و از جمله زنان را زائل کند. بنابراین همان‌گونه‌که توجه به دسترسی برابر زنان به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات باید مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد، مسئله هویت زن و سوء استفاده جنسیتی که می‌تواند از طریق این فناوری‌ها رخ دهد، نباید از

نظرها پنهان بماند. این مسأله، مبحثی است که جای بحث و بررسی بسیار دارد و امید است در تحقیقات اندیشمندان و محققان ما نیز لحاظ گردد.

۹. نتیجه گیری

همانطور که اشاره شد هویت را می توان تلقی فرد از «خود» و تمایز گذاری خود بر اساس تفاوت ها و تشابه ها با دیگران دانست که این تلقی از خود در بعد مذهبی و جنسیتی تحت تأثیر عوامل محیطی و زمان و مکان فرد می باشد. جهان مجازی توانسته است با ایجاد فضایی گسترده و فارغ از محدودیت های مکانی و زمانی فرد را در دنیای جدید و بی پایان و به موازات دنیای واقعی قرار دهد.

این فضای گسترده جهانی، نظام ارزش ها و هویت زنانه را تحت تأثیر قرار می دهد و تلقی زنان از نقش ها، مسئولیت ها و نگرش ها به ویژگی های جنسیتی را شدیداً تغییر می دهد و دیگر، صرفاً عوامل محیطی در جهان واقعی شکل دهنده هویت و تلقی فرد از ویژگی های جنسیتی و زنانگی نخواهد بود.

برآیند این گسست شناختی از جهان واقعی و تسلط جهان مجازی بر شناخت فرد از خویشتن به فاصله گرفتن زنان از ویژگی ها و نقش های زن در محیط واقعی منجر می گردد و نتیجه این فاصله گرفتن به دوگانگی شخصیتی و یا اختلال هویتی منجر می گردد که از سویی پای در دنیای سنت و دیدگاه های حاکم بر جامعه فرد دارد و از سوی دیگر سر در آسمان دنیای مجازی و آرمان ها و تعریف های مدرن از حقوق و جایگاه زن و در نتیجه هویتی دیگرگون از آنچه تا به امروز به وی از سوی خانواده و جامعه القاء می شده، دارد. این گسست از آنرو پررنگ و حائز اهمیت است که سرعت انتقال اطلاعات و تأثیر گذاری دیدگاه های جدید با توسل به ابزارهای جدیدی همچون تلفن های هوشمند و گروه های مجازی متعدد و در نتیجه گسترش دامنه روابط خارج از حوزه زندگی فرد، بحران هویت را در کشورهایی که هنوز سنت ها و مذهب به حیات خود ادامه می دهند و جایگاه ویژه دارند، افزایش می دهد؛ در نتیجه این دوگانگی هویتی بیشتر خود را نمایان می کند و مشکلات خاص خود را در نقش پذیری و درک از هویت زنانه ایجاد می کند.

فهرست منابع

- اولسون، دیوید، (۱۳۷۷)، **رسانه و نماد**، مترجم: محبوبه مهاجر، تهران: سروش.
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران، (۱۳۸۹)، **هویت دختران و زنان جوان ایرانی و نقش آنان در تمدن‌سازی**، در پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱.
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران، (۱۳۸۸)، **تعامل در فضای سایبر**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، **هویت اجتماعی**، مترجم: تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- دالری، استفن، (۱۳۸۸)، **مدینه فاضله یا ناکجاآباد مذهب اینترنتی در هزاره جدید**، مترجم: آزاده فهوی، تهران: مؤسسه تحقیقات همشهری.
- دریفوس، هویت، (۱۳۸۳)، **در اینترنت**، مترجم: علی فارسی نژد، تهران: ساقی.
- دهقان، علیرضا، (۱۳۸۴)، **قمار بازی اینترنتی**، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره پیاپی ۲ و ۳.
- سخایی، مژگان، **هویت زنانه**: www.womenrc.ir
- سروی زرگر، محمد، (۱۳۸۸)، **درآمدی بر فضای مجازی**، تهران: مؤسسه تحقیقات همشهری.
- سورین ورنر، تانکارد جیمز، (۱۳۸۲)، **نظریه‌های ارتباطات**، مترجم: دکتر علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاه‌قاسمی، احسان، (۱۳۸۵)، **مروری بر زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات**، پایان نامه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عارف، رضا، (۱۳۸۸)، **هویت اسلامی ما**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- عاملی، سعیدرضا، (۱۳۸۲)، **دو جهانی شدن‌ها و آینده جهان**، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶۹-۷۰، خرداد و تیر.

- _____، (۱۳۸۴)، **هویت‌های فرهنگی قدیم و جدید، رمزگشایی تمدنی و معماری سنتی - مدرن و ملی - فراملی مهستان.**
- _____، (۱۳۸۲)، **جهانی شدن‌ها: مفاهیم و نظریه‌ها،** ارغنون شماره ۲۴.
- _____، (۱۳۸۲)، **دو جهانی شدن و هویت‌های همزمان آینده،** سایت ایران و جامعه اطلاعاتی: www.iranwsis.org
- _____، (۱۳۸۴)، **زیرساخت‌ها و خصوصیات فضای مجازی،** درس مطالعات فضای مجازی.
- _____، عبداللهیان، حمید و توکلی، اباذر، (۱۳۸۲)، **ساخت جهان مجازی با دلالت‌های فرانمایی،** نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۸
- _____، کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰)، **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ،** ج دوم، مترجم: حسن چاوشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
- _____، گولومبرک و فی وش، (۱۳۸۷)، **رشد جنسیت،** ترجمه مهرناز آرای، تهران: فقتوس.
- _____، گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)، **تجدد و تشخیص،** مترجم: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.